

روز جهانی
اخلاق

نشست مجازی اخلاق در شرایط پیچیده امروز

اخلاق عملگرا

سیدمحمد رضا فاطمی ✍

فرد بستگی دارد که می‌خواهد بافضلیت زندگی کند و کاری به‌وظیفه و نتیجه ندارد.

من با استعانت از نظر بزرگان فکر می‌کنم در اخلاق اسلامی مخلوطی از هر سه موضوع را داریم. گاهی به نتیجه توجه داریم و مهم است، وظیفه هم مهم است، و فضیلت خود عمل هم مهم است، که به‌احتمال نزدیک به یقین همه اینها در مبانی آداب و اعمال حرفه‌ای منظور شده است و در آیین و رفتار حرفه‌ای به‌احتمال قوی با جزئیات آمده است.

البته نمی‌خواهم اینجا به اخلاق و مبانی نظری و علمی آن بپردازم که این، کار علمای اخلاق است، فقط اشاره‌ای کردم و می‌خواهم این‌طور نتیجه‌گیری کنم که برای ما مهمترین بخشی که از اخلاق می‌تواند؛ به‌خصوص امروز، کارساز و راه‌گشا باشد، بخش عملی اخلاق است؛ یعنی به‌عنوان اعضای حرفه در عمل نشان بدهیم که چه کارهایی خوب هست و باید انجام بدهیم و چه کارهایی بد است و نباید انجام بدهیم؛ و چطور اعضای حرفه را، به‌خصوص کسانی که به حرفه ورود می‌کنند، راهنمایی کنیم. خود همین شورای جهانی اخلاق حرفه‌ای که امروز به‌خاطر پیشنهاد آنها روز جهانی اخلاق نامگذاری شده است، در تعریف خودشان، هدف را شناسایی و ارائه راه‌حل برای، نه همه مشکلات که این

این ایام مصادف است با میلاد مسعود حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) و امام صادق (ع) و هفته وحدت که حسن تضادفی است چنانچه بتوانیم از این الگوها، فرمایشات و سیره معصومین (ع) استفاده کنیم.

من اینجا قصد ندارم به مسائل حرفه‌ای و مباحث تخصصی بپردازم؛ تنها به‌عنوان شاگرد مکتب حرفه حسابداری چند دقیقه‌ای وقت عزیزان را خواهم گرفت و بعضی مسائل اخلاقی را به‌صورت کلی مطرح می‌کنم.

همانطور که مستحضربید کم‌وبیش نظامات اخلاقی و مکاتب اخلاقی شامل نظریه‌های متفاوتی است، ولی احتمالاً در سه‌بخش می‌شود آنها را طبقه‌بندی کرد. اول این که آیا انتظار داریم اخلاقاً در همه موارد از جمله در حرفه به‌نتیجه مطلوب برسیم (داوری فعل بر اثر نتیجه عمل)؛ که اگر چنین هست به‌این نوع اخلاق می‌گویند **اخلاق نتیجه‌گرا** یا نتیجه‌نگر. دوم، آیا برای خودمان وظیفه‌ای قائل هستیم که در عمل آن وظیفه را انجام بدهیم و کار به نتیجه نداریم؟ که به‌چنین روشی می‌گویند **اخلاق وظیفه‌گرا** یا وظیفه‌نگر. سوم، اصلاً داوری ما با خود عملی هست که انجام می‌دهیم و نه کار به‌نتیجه داریم و نه به‌وظیفه، که به این نوع اخلاق می‌گویند **اخلاق فضیلت‌گرا** یا فضیلت‌نگر که بیشتر به‌نیت

حجت برای مردم بود و الگو و اسوه‌ای برای همه کسانی که می‌خواهند پیرو آن مکتب باشند.

عمل، رفتار و کردارشان بود که شهادت به توحید و یکتایی خداوند می‌داد و نهایتاً نبوت آن حضرت پذیرفته شد، وگرنه با حرف کسی نمی‌پذیرفت.

باز در آیه ۲۱ سوره احزاب (۳۳) آمده است: "لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ"، و این جا منحصر کرده است و می‌گوید قطعاً برای شما حضرت رسول (ص) الگو و سرمشقی نیکوست؛ یعنی بهترین الگوست. خوب مگر نمی‌شد که خداوند دستوراتی بدهد و با اجبار تکلیف کند که این کار کنید و آن کار نکنید. خوب معلوم است که این روش کار نمی‌کند، و اگر می‌کرد این طور نبود که همه تاکید بر عمل باشد؛ و این که الگو و نمونه در عمل باید خودش را نشان بدهد.

باز در حدیثی از حضرت رسول نقل شده "ثُمَّ بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ"، که مکارم اخلاقی حتی اینقدر مهم است که ما تو را ای پیامبر برای تکمیل و گسترش مکارم اخلاق مبعوث کردیم. پس محور اخلاق، اخلاق عملی و اخلاق نیکو و درست، اساس و محور هستی و جوامع بشری است.

باز حدیث دیگری از امام صادق (ع) داریم که خیلی مهم است در این باب که "كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ"، که مردم را با عملتان به سوی خدا بخوانید نه با زبانتان؛ در واقع به غیر زبان مردم را دعوت کنید. دیگر از این واضحتر نمی‌شود؛ یعنی حرف نزنید، بی‌خودی صحبت نکنید، حرفهایی که عمل نمی‌کنید نگویید، با عمل خودتان نشان دهید که چه باید بکنند. در واقع سخن اگر با عمل اثبات نشود اثری ندارد. به قول سعدی "عالم بی عمل مثل درخت بی ثمر است". می‌گویی، ولی کسی گوش نمی‌دهد، تاثیری ندارد.

حضرت علی (ع) می‌فرمایند که منظومه ایمان به طور کلی از سه بخش نیت، و دعوت که همان سخن است، و عمل متناسب با آن تشکیل می‌شود. اگر این منظومه همراه با عمل متناسب با آن نباشد در واقع پذیرفته نخواهد شد. "دو صد گفته چون نیم کردار نیست". به هر حال اینها همه الگوها و دستورها و فرمایشاتی بوده است که از خدا، پیامبر و ائمه و بزرگان ما نقل شده است، و در فرهنگ و جامعه ایرانی خودمان هم نمونه‌های بسیاری از عرفای بزرگ داریم، از خواجه عبدالله

خود شدنی نیست، بلکه برای مهمترین چالشها و مشکلات اخلاقی حرفه در بخشهای مختلف جامعه قرار داده‌اند، و احتمالاً در آینده همچنین مشکلاتی ادامه خواهد داشت و آنها هدفشان شناسایی مشکلات و ارائه راه‌حلهاست.

در فرهنگ و مکتبی که ما پرورش پیدا کردیم و زندگی می‌کنیم، به طور کلی فرهنگ ایرانی اسلامی، یا اسلامی ایرانی، که از غنای فرهنگی بسیار قوی هم برخوردار است، منابع دینی و اعتقادی، و منابع ملی و ایرانی، و همین طور نمونه‌های بزرگی که در گذشته داشتیم، همه یک بخش را بیشتر پررنگ می‌کنند و آن اخلاق عملی است. البته اخلاق نظری و مبانی نظری و بحثهای آن مهم است ولی آن چه که بیشتر اهمیت دارد و کارساز خواهد بود آن بخش عمل است. به قول سعدی، "به عمل کار برآید به سخندانی نیست". به عبارت دیگر کسانی که حرفی را می‌زنند چقدر خودشان به آن عمل می‌کنند.

خداوند در آیه ۴۵ سوره احزاب (۳۳) می‌فرماید "يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا"؛ ای پیامبر ما تو را شاهد و مژده‌رسان و گواه و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده برای مردم فرستادیم؛ یعنی گواهی‌دهنده به حق؛ یعنی وجود مبارک حضرت ختمی مرتبت (ص) برای گواه حقانیت مکتب آسمانی اسلام فرستاده شد. ایشان مردم را به راه راست و درست دعوت می‌کردند، نه با حرف بلکه با عمل، و بدین جهت ایشان شاهد و مژده‌رسان این مکتب هستند؛ چون عمل او

مهمترین بخشی که از اخلاق

می‌تواند

به خصوص امروز

کارساز و راه‌گشا باشد

بخش عملی اخلاق است

سازمان حسابرسی بود، با چه اخلاق و فضیلتی، چقدر زحمت می‌کشیدند، خداوند همه اینها را رحمت کند.

اینها الگوهای ما در حرفه حسابداری بودند و توصیه اینها همه به این بود که باید هم تشکل حرفه‌ای را حفظ کنیم و از همه مهمتر در این تشکل اخلاق را رعایت کنیم و معیار قرار بدهیم که این باعث تقویت حرفه و همینطور پیشرفت هم اعضا و هم حرفه خواهد بود.

لازم است از سه تن از عزیزان همکار و مدیران ارشدی که از دست دادیم و واقعاً نمونه اخلاق در حرفه و سازمان بودند یاد کنم. مرحومان آقایان **سیامک جوانبخت**، **حسن موسوی مهر** و **علی شاه‌نظری** که از مدیران ارشد حقیقتاً اخلاقی و زحمتکش بودند که برای همکاران و مدیران بعدی سازمان نمونه‌اند. امیدوارم خداوند همه آنها را در کنف رحمت خویش قرار دهد.

از ماندگان به دلیل این که ممکن است بعضیها را فراموش کنم، نامی نمی‌برم، ولی بسیاری از این انسانهای بافضیلت در حرفه ما در قید حیات هستند و نمونه خوبی هستند. خدا خواسته است که این جامعه حرفه‌ای ما انسانهای شریف و درستکار و زحمتکش و نیکوکار زیاد داشته باشد.

امیدوارم این نوع جلسات و وبینارها و حتی سمینارها بیشتر برگزار شود تا جوانها و نسلهای آینده بیشتر تشویق شوند و راه آنها را که الگوهای خوبی بوده‌اند در پیش گیرند و آینده بهتری برای جامعه داشته باشند.

امروزه با مشکلات و مسائل بگرنج و پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم که قطعاً با همکاری، همفکری و همیاری و تحقیق و صحبت با یکدیگر ممکن است راهکارهایی برای آنها پیدا شود و حتماً این طور خواهد بود. امیدوارم خداوند این توفیق را به جوانها و نسلهای آینده بدهد تا راه آن بزرگان را پیش گیرند که در عمل به ما نشان دادند چگونه باشیم، و همین طور مکتب حیات بخش ما که نمونه‌هایی از دستوراتش را عرض کردم پیش روی آنها باشد تا بتوانند آینده بهتری را برای خودشان و جامعه و کشور رقم بزنند.

از این که اجازه دادید چند دقیقه‌ای در خدمت شما باشم سپاسگذارم و از بانیان و برگزارکنندگان این وبینار تشکر

می‌کنم.

انصاری گرفته تا بایزید بسطامی و ابوسعید ابوالخیر و به همین ترتیب می‌آییم تا این اواخر، که همه نمونه‌های عالی هستند، کسانی هستند که در عمل نشان دادند که چطور بایستی رفتار کرد تا دعوتشان مورد پذیرش مردم قرار گیرد، وگرنه پیروی نمی‌کنند و نمی‌پذیرند. هر چه که بگوییم، اگر در عمل، رفتار متفاوتی داشته باشیم، نه تنها نمی‌پذیرند بلکه موجب روی گرداندن آنها هم خواهد شد.

با این مقدمه کوتاه که خدمتتان عرض کردم باید ببینیم که مثلاً در چند سال اخیر، در عمر کوتاهی که حرفه در ایران پا گرفته است، چه کسانی این حرفه را بنیان گذاشتند و رفتار آنها چگونه بوده است و ما چطور آنها را الان یاد می‌کنیم.

من اجازه می‌خواهم حداقل از چند نفر از اساتید و بزرگانی که بنیانگذار بوده‌اند و امروز در بین ما نیستند نام ببرم و از درگاه خداوند قادر متعال برای آنها رحمت و مغفرت مسئلت کنم.

همانطور که همه مستحضرید مرحوم **حسن سجادی نژاد** بنیانگذار دانشکده حسابداری نفت و نمونه عملی اخلاق بود؛ در عمل و در رفتار و کردار الگو بود. خدا رحمت کند مرحوم دکتر **فضل‌اله اکبری** را، که بنیانگذار این حرفه در دانشگاه تهران بود و حق زیادی به‌گردن همه اعضای حرفه دارند، چه سیره‌ای در عمل داشت و چه بزرگواری و تواضعی داشت.

همه ما اینها را دیدیم و من لازم نیست بگویم. شما خودتان با اینها بودید و دیدید که در زندگی چطور بودند و چطور از دنیا رفتند. نه مالی اندوختند با آن همه موقعیتهایی که داشتند، هیچ چیز، جز با صحت و سلامت و درستی، با فضائل مختلف این دنیا را ترک کردند. خداوند رحمتشان کند. و این اواخر آقای **علی مدد** که استاد محترم ما در مرکز آموزش و تحقیقات

کسانی که حرفی را می‌زنند

چقدر خودشان به آن

عمل می‌کنند